

## جهان بدون کیارستمی رنگ و بویی ندارد

لحظه که جدی است خیالی راحت می‌تواند شوخی کند، چرا که بدون شوخی و راحتی، سقوط می‌کند، او از این که ضربان قلبش پایین بیاید و از تنهایی و آرامش بیش از حد می‌ترسد. هنرمند فلسوفی است که برای آگاهی دادن به جامعه، خود و شغل و جایگاهش رافربانی می‌کند، او به حرمت انسان‌ها و برای فرد فرد جامعه ارزش قائل است. هدف بزرگ او در طول حیاتش زندگی توأم با احترام است که در این مسیر نقد کردن راتنها راه مهرورزی انسان‌ها نسبت به هم می‌داند.

مرگ کیارستمی، از نقاط مهم در زندگی به‌داده بود که هیچ‌گاه نتوانست از آن به راحتی بگذرد، چرا که او کیارستمی را در جهان پر از ایلینس کنونی، از وزیران روشنایی می‌دانست که وظیفه محافظت از او به عهده هم‌نسلان ما بود و جهان بدون کیارستمی برایش رنگ و بویی ندارد. با پرشوری تمام بدون مصلحت‌اندیشی، همیشه حرف دلش را زده است. ولی همواره در حال تصبیح خودش است. همان‌طور که در طول این سال‌ها رفتار و روابط خود را در بر خورد با بقیه تغییر داده و تنظیم کرده است. حلد در کنار بازیگری در لجن‌های خیرخواهانه و عام‌المنفعه، فعالیت می‌کند و از کارهای بی‌امانتی او و روبرو به پرنده جولتی است که در جریان چهارشنبه سوری باعث مرگ سرباز شهید مجید فخرایی شد و حامد توانست رضایت خانواده ولی دم را برای جلوگیری از قصاص بگیرد.

هنرمندی که از طبقه متوسط اجتماعی مردم زحمتکش و کارگر و در خانواده‌ای پاینده سنت‌های معمول اجتماعی سر بلند کرده و طعم گس فقر را چشیده است قطعاً دغدغه‌های مردم پایین دست را درک می‌کند و حامد به‌داده از جمله این هنرمندان است.

او که بازیگری در تئاتر ربه صورت آکادمیک و در کنار اساتیدی چون فریندخت زاهدی و امیر دژاکام آغاز کرد، فعالیت در زمینه دوبلوری را هم در پرنده کاری خود دارد. او شرایط دوبله بیش از ۳۰ فیلم کلاسیکی که دوبله آنها گم شده بود را با هزینه شخصی و به کمک دوبلورهای بنفلی مانند مطمئنی زاده، منوچهر والی زاده، چنگیز جلیاوند، عرفانی، خسرو شاه‌ی و... فراهم کرد تا تاریخ سینمای جهان را مجدداً در آرشیو سینمایی ایران احیا کند.

برای بازی در فیلم روز سوم، که در مورد محاصره خرمشهر است در نقش یک افسر عراقی که عاشق یک دختر خرمشهری می‌شود برای دومین بار بعد از فیلم آخر بازی او را تا کاندیدای سیمرغ بلورین پیش برد و بازی خوب او در فیلم کسی از گریه‌های ایرانی خبر ندارد، به کارگردانی بهمن قبادی نیز که به جشنواره کن راه پیدا کرده بود او را به سینما دوستان جهان معرفی کرد.

به‌داده، اگر چه وسعت کاری‌اش در عالم هنر گسترده بود اما در نهایت با تمرکز در بازیگری، در فیلم جرم به کارگردانی مسعود کیمیایی، در سال ۱۳۸۹، نقش ناصر ظفر را به گونه‌ای ارائه داد که نظر همگان را به خود جلب کرد و سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد در بیست و نهمین دوره جشنواره فجر، بر روی شلوه‌های او نشست.



**سمیه نجفی خاتونی** - در اوج بارش سالانه شهبلی اسدی و در سال روز تولد مارتین اسکورسیزی، کارگردان، فیلم‌نامه‌نویس، تهیه‌کننده، هنرپیشه و تاریخدان ایتالیایی، به سال ۱۹۴۲ و همچنین تولد محمد شمس لنگرودی (محمد تقی جواهری گیلابی)، شاعر، پژوهشگر، بازیگر، خواننده و مورخ ادبی به سال ۱۳۲۹ در روز ۲۶ آبان سال ۱۳۵۲ (به دنیا آمد) و نام اصلی او حامد تنگ ساز صابری به‌داده است. به‌خاطر شرایط شغلی پدر، بزرگ شده شهر نیشابور می‌باشد و به شدت به خراسان و مر دمش تعصب دارد. بعد از ورشکستگی پدر که اهل شعر و شاعری بود، راهی شهر مشهد شدند. اولین بار در سال ۱۳۶۱ وقتی ۹ ساله بود یک بار بازی در تئاتر را تجربه کرد و از آن زمان عشق مارلون براندو، هنرپیشه سینما و تئاتر آمریکا شد.

حامد به‌داده، بازیگر سینما، تلویزیون، تئاتر و خواننده ایرانی است که در رشته بازیگری تئاتر از دانشگاه آزاد تهران، فارغ‌التحصیل شده است. از یک شرکت تبلیغاتی شروع به کار کرد و با کمک رامبد جوان، وارد دنیای بازیگری شد.

بعد از قبولی در دانشگاه آزاد تهران، شرایط اقتصادی سختی را تحمل کرد تا این که در شرکت تبلیغاتی زیتون، در کنار رامبد جوان به عنوان دستیار به استخدام درآمد. به‌داده می‌گوید: رامبد من را به خانه‌اش می‌برد، خله‌ای که در کنار پدر و مصادرش زندگی می‌کرد و در واقع در حق من برادری نمود. او برای اولین بار با فیلم آخر بازی، وارد سینما شد و برای این نقش کاندیدای سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول، از جشنواره فیلم فجر شد. اما شهرت به‌داده، از سال ۱۳۸۲ با فیلم بوتیک، به کارگردانی حمید نعمت‌الله، شروع شد که با محمدرضا گلزار و رضا رویگری هم بازی بود. فیلمی که در دنیای سینما به فیلم‌های کالت معروف هستند و با کارکرد خاصی که دارند حتی در سال‌ها بعد از اکران‌شان نیز جریان‌ساز و فرهنگ‌ساز می‌شوند. بوتیک از منظر بازیگری ترکیبی تازه و جسورانه از بازیگران شناخته شده و جوان زمان خود را در نقش‌های اصلی و فرعی چون حامد به‌داده ثبت کرد که هنوز هم جزو نقاط قوت کارنامه آنها محسوب می‌شود. به‌داده در سال

۱۳۷۹ با سریال همسفر در ایپز و در فدا دیر است، بازی در قاب تلویزیون را تجربه کرد و سپس در سال ۱۳۸۱ در سریال جستجو در شهر، بازی کرد. وی که از زمان کودکی به موسیقی نیز علاقه داشته است و گاهی هم می‌خواند، فعالیت جدی موسیقیایی را در کنار بازیگری از سال ۹۳ برای گروه دارکوب آغاز کرد و به عنوان خواننده میهمان با گروه موسیقی دارکوب به سرپرستی همایون نصیری نیز همکاری داشت. او که با جدیت بازیگری، موسیقی را هم دنبال می‌کرد در آلبوم ۲۵ رضا یزدانی خواند و تیتراژ پایانی سریال مثل یک کابوس، به کارگردانی شهرام شاه‌حسینی در سال ۱۳۹۰، با صدای او به روی آنتن شبکه یک رفت. او معتقد است که آدمی جدی است اما در فضاهای خاصی، درست در دل همان



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا  
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفيعی

www.rooznamehsaba.com  
rooznamehsaba

تهران خیابان آیت‌الله مدنی کوچه خجسته منش پلاک ۵  
تلفن: ۶۰۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵  
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران  
توزیع: نشر گستر مهر روز

## بازیگری که برای انسان‌ها حرمت قائل است

حامد به‌داده، صادق است، اومیآن تپق‌ها و اشتباهات خود مکتب و خود را بازخوانی می‌کند. هر بار به جایگاه هنری خود در بازیگری و زندگی‌اش ایست می‌دهد و با شخصیتی جدید مسیرش را ادامه می‌دهد. ایست و ترمزی که به او اجازه پهلو گرفتن در هیچ ساحلی را نمی‌دهد. او مسافری است که دائمی به نقشه نگاه می‌کند و مسیرش را برای هزارمین بار بازیگری می‌کند. ورزش مورد علاقه‌اش بوکس است و خشم خود را در ضربه‌های فر و خورده کیسه بکس انفش خالی می‌کند تا موجب آزار کسی نشود. هنرمندی که در انتخاب نقش‌ها خالص به سراغ سوزهای انسانی می‌رود و چیزهایی که برای بشر تهدیدات جدی و همیشگی است را به نمایش درمی‌آورد. او معتقد است باکی صداقت و خلوص او برایش حکم عصای موسی را دارد که رود خروشان نیل را برایش می‌شکافد. او با بازی درخشان در کسی از گریه‌های ایرانی خبر ندارد، موفق شد بی‌خطر بودن گروه‌های زیرزمینی موسیقی ایران را نمایش دهد و فضای امن و بهتری را برای موسیقی زیرزمینی ایران پایه‌ریزی کند. به‌داده پس از بازی در این فیلم، صادقانه هدفش را از بازی در آن بیان و با مسئولین به گفتگو نشست تا به مسیرش در بازیگری ادامه دهد. وی معتقد است خطوط قرمز برای هنرمند ملعی بر سر راهش نیستند و هنرمند با آگاهی و دانش و صداقت می‌تواند از آنها به سلامت عبور کند. از بازی‌های او در سال‌های اخیر، ایفای نقش در فیلم نیمه شب اتفاق افتاد، اثر تینا پاکروان و سد معبر، در یادها مانده است و با وجود آن که در جشنواره فیلم فجر، بسیار خبر ساز شدند، اما برای بازی در این دو فیلم حتی کاندید هم نشد. شاید خود حامد به‌داده هم زیاد به سیمرغ بلورین فکر نمی‌کند، چرا که معتقد است، جایزه گرفتن برای بازی در طول این سال‌ها، او را به این اشتباه می‌اندازد که فکر کند در جایگاه درستی ایستاده، در صورتی که او هیچ جایگاهی را برای هنرمند امن نمی‌داند.



www.mci.ir

شما معتبر هستید  
شماره معتبر بخرید

فروش ویژه شماره‌های خاص اعتباری و دائمی تا ۴۰٪ تخفیف

از طریق shop.mci.ir و تمامی مراکز فروش و خدمات همراه اول

